

اربابها

مالک در آن دمی که سر از خرمن آورد

دهقان بی نوا ز جگر شیون آورد

اینجا به یاوه لاف وطن دوستی زند

آنجا دمار از تن هم میهن آورد

روزی اگر سلام وی آهسته تر دهد

اورا بشکل خائن و اهریمن آورد

امروز گرم غارت دهقان به جبر و زور

فردا سر از واشینگتن و لندن آورد

هنگام بهره مثل گدایان سامره

خورجین بدوش جامه چو پرویزن آورد

امروزه بر منیر □ دهقان دهد فریب

فردا عزای گم شدن بیژن آورد